

کتاب‌های کمک‌درسی، آموزش تزریقی و سطحی



ناصر نادری، نویسنده کتاب‌های کودکان و نوجوانان

ناصر نادری، نویسنده سرشناس کودکان و نوجوانان بر این باور است که کتاب‌های کمک‌درسی، چون قارچ‌های رنگ‌به‌رنگ مسموم، محیط‌های با نشاط مدارس را به تصرف خود درآورده‌اند. به باور او عوامل زیادی مانند تبلیغات سودجویان، راحت‌طلبی دانش‌آموزان و برخی معلمان در این کار دخالت دارند و مدیران ارشد تعلیم و تربیت باید بین دو فضا دست به انتخاب بزنند و تصمیمی تاریخی بگیرند: یا میدان را به نفع سودجویان حوزه نشر کتاب‌های کمک‌درسی و چرخه مالی چند صد میلیاردی آن‌ها خالی کنند یا به جد در پی آموزش سالم و با کیفیت و خلاق و جست‌وجوگرانه برآیند. یادداشت او را بخوانید.

تردید ندارم که نشر کتاب‌های آموزشی مفید با رعایت تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و با هدف تسهیل، تعمیق و توسعه مفاهیم آموزشی و ایجاد خلاقیت ذهنی و تقویت تفکر نقاد در مخاطبان، نه تنها ایرادی ندارد که مکمل فرایند یادگیری - یاددهی است. اما آنچه که همچون سم خودنمایی می‌کند، حضور کتاب‌های کمک‌درسی با رویکرد حافظه‌مداری و آموزش تزریقی و سطحی، بدون خلاقیت و نوآوری و روحیه جست‌وجوگری و کار گروهی در مدارس است.

متأسفانه به دلایل گوناگون (همچون تبلیغات وسیع ناشران تاجرمآب و کم‌سواد از طریق رسانه ملی و بیلبوردهای تبلیغی شهر، راحت‌طلبی برخی معلمان و منفعت‌جویی برخی مدیران، وجود ابهام در برخی مفاهیم مندرج در کتاب‌های درسی، جلوه‌گری تابوگونه کنکور در ذهن برخی پدران و مادران، طمع‌ورزی برخی آموزشگاه‌ها و مدرسان تاجرمآب آنان و...) قارچ‌های مسموم کتاب‌های کمک‌درسی، محیط‌های با نشاط مدارس را به تصرف خود درآورده‌اند.

امروز مدیران ارشد کشور ما باید تصمیمی تاریخی بگیرند: انتخاب بین «حضور پررنگ و مستمر طمع‌ورزان جریان نشر کتاب‌های کمک‌درسی و چرخه مالی چند صد میلیاردی منفعت‌طلبان» و «جریان آموزش سالم و با کیفیت و خلاق و جست‌وجوگرانه» که البته باید همراه با اصلاح پاره‌ای رویه‌ها و رویکردها و شیوه‌ها در درون آموزش و پرورش و رسانه ملی و مدیران فهیم نشر آموزشی باشد.

امید است که بتوانیم نسل امروز کودک و نوجوان و جوان را از حرکت وهم‌گونه در کانال تنگ آموزش حافظه‌مدار و تزریقی وابسته به کتاب‌های کمک‌درسی غیراستاندارد باز داریم.

دنایای کودکی و نوجوانی و جوانی یعنی نشاط و بازیگوشی، جست‌وجوگری و پرسشگری، خلاقیت و نوآوری، خیال‌پردازی و امیدآفرینی و...

به راستی این همه عناصر رنگارنگ و هویت‌بخش در فضای ذهنی و روانی و حرکتی کودکان و نوجوانان و جوانان امروز جامعه ما دیده می‌شود؟ آیا محیط‌های یادگیری مدارس و الگوی رفتاری معلمان و مدیران، بسستر توسعه و ترویج این عناصر را فراهم می‌سازند؟ آیا دغدغه‌های عمیق پدران و مادران و جنس مطالبه‌های آنان این مسائل است؟ آیا رسانه‌های تأثیرگذار همچون رسانه ملی و شبکه‌های اجتماعی، رونق‌بخش چنین اموری‌اند؟ آیا جریان جدی نشر کتاب‌های آموزشی، جهت‌گیری خود را با این شاخص‌های استاندارد کیفیت‌بخش زندگی سالم همسان‌سازی کرده است؟

واقعیت تلخ این است که همه این مؤلفه‌های تأثیرگذار در شرایط امروز، بایستی مورد نقد جدی و کندوکاو جسورانه قرار گیرند. احساس من این است که همه نهادهای مرتبط با فرایند یادگیری و آموزش، به‌نحوی ناآگاهانه یا آگاهانه در مسیر اضمحلال عناصر هویت‌بخش و سالم روانی و ذهنی و حرکتی نسل کودک و نوجوان و جوان امروز قرار گرفته‌اند و برون‌رفت از این وضعیت نامطلوب، قطعاً با نگاه درمانگرآبانه به درون است؛ «تو خود حجاب خودی حافظ، از میان برخیز!»

در این یادداشت، دغدغه نویسنده، نقد همه این مؤلفه‌ها نیست؛ چون تحلیل همه آن‌ها، پژوهش وسیع‌تری را می‌طلبد. من در اینجا، فقط به عنصر «نشر کتاب‌های کمک‌درسی» و تأثیر آن در فرایند کیفیت‌بخشی به آموزش و پرورش می‌پردازم.